

دیوان:
میر بهادر واصفی



انتشارات واقفی

واصفی، میر بهادر، ۱۳۱۶ -
 دیوان میر بهادر واصفی، نویسنده: میر بهادر واصفی. -- مشهد: واقفی،
 ۱۳۸۳.
 ۵۵۵ ص.
 ISBN: 964-96150-6-8 افغانی ۷۵۰
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 ۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. الف. عنوان.
 د ۱۹۶ و ۱/۶۲ فا ۸۱
 PIR ۸۲۹۱/الف ۱۳۸۳
 ۱۳۸۳
 کتابخانه ملی ایران
 ۴۱۷۸۲ - ۸۳ م



انتشارات واقفی

نام کتاب: دیوان میر بهادر واصفی

نویسنده: میر بهادر واصفی

ناشر: انتشارات واقفی ۸۴۲۸۴۴۷

نوبت چاپ: اول - ۸۴

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: چاپ دقت ۳۴۱۹۵۶۰

امور فنی کتاب: سید حامد

قیمت: ۷۵۰ افغانی

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اهداء: به روح پاك و مقدس شهيد همیشه زنده در خاطره ها قهرمان ملی

احمد شاه مسعود .

از آنجاکه ایشان به ادبیات ارج می گذاشتند، شعر را غذای مجالس و شکر سخن خود می دانستند و شاعر را قدر می کردند و توسعه ، گسترش و نگهداری میراث های ادبی را جزء مسئولیت خویش آنهم با شرایط جنگی محسوب می کردند. ایشان به جناب آقای میر بهادر واصفی این استاد واقعی سخن و گنجینه ای پنهان ادب ، این زری که قدرش را زرگر می دانست قول چاپ کتابهایش را داده بودند، اما فرصت یاری نکرد، بهمین مناسبت تصمیم گرفتم که اثرهای این شاعر قله نشین پامیر که جواهر ادب را در بطن خویش نگهداری می کند به خواش خود ایشان استخراج نموده و به جواهری تقدیم که بر سر طلا نشانده تا اینکه علاقمندان آن مورد استفاده قرار بدهند. بنا بر وفا و تعهد آن حافظ قله های هندوکش و حریم میهن چاپ نمایم و به نمایندگی از قهرمان ملی از جناب رئیس صاحب منتخب کشور که همانا وارث حقیقی آن ابرمرد تاریخ در جهت تحقق آرزوهای وی اوشانند رجاء مندم بر پاس خدمات شایسته ایکه آقای " واصفی " در راستای ادبیات کرده اند لقب ملك الشعرا را برای ایشان اعطاء نموده ممنون سازند ، روح و روان پاك آن شهيد شاد باد.

راشد الدین " محمدی "

بسم الله الرحمن الرحيم

واصفيا بملك دل اين سخن آزموده ام
هرچه کهن شود شود، عشق کهن نمیشود

عرض سپاس وشکران

حکمت مضمون نگار بزم هست
عشق در بنیاد هست استاد شد
امتیاز معنی لولاک ریخت
گشت آدم زین تجلی پر فروغ
داد از ادراک بیرونی امتیاز
عشق چون در روح گردید نردبان
داد این گنجینه ای هستی فروز
زان بپایا گردید نظام زندگی
زندگی از آدمیت رنگ یافت
علم و دانش بر بشر شد ره نما
تا سلاح آدمی شد نور برق
بهر تسخیر سما و بحر و بر
کرد اندر هر طریقت فتح باب
علم زد تا بر تمدن عربده
زندگی همدست و تنگاتنگ شد
بهر حفظ افتخاراتش بشر

تا نظام آفرینش نقش بست
نسور احمد مبدأ ایجاد شد
عشق و روح و عقل را در خاک ریخت
تا نماید عشق اندر وی بلوغ
پردگسی و پرده دارد فهم راز
خساک راهی زد بسوی آسمان
در دل پیمان انسان درد سوز
تا به عشق و سوز باشد بندگی
عقل و علم و دانش و فرهنگ یافت
گشت چون آئینه ای معجز نما
در دل هم وصل گردید غرب و شرق
گام زد از حکمت و دانش بشر
در دماغ زندگی زد انقلاب
اینجهان تبدیل شد بر دهکده
پر درخشش دانش و فرهنگ شد
ارج میدارند فرهنگ و هنر

زان بهر ملت ز دانش بخردان
می کنند تشویق از باب هنر
زنده ماند در زمانه یاد شان
من به پای سعی ننگا ننگ خویش
همت پسر وانگی اندوختم
جرم تاریکم از آن دریافتم نور
خسته از بد ذوقی و صراف ها
بودم اندر کشم خلوت خوان راز
نا گهان آمد پیام از سوی دوست
داد این پیغام (پرداری) مرا
گوهر و ارسته حاجی راشد الدین
از بلوغ عشق دانش پروری
از کشش چون کهریبا آن نیک پی
شد انیس روح سرگردان من
نزد او آوردم هر چه داشسته
کردمش تسلیم گوهر خوان خویش
دفتر اول بود دیوان من
عشق در وی کرده است روشن چراغ
درد و صاف و نیمه خام و خام جوش
کرده است تصویر و داده شرح حال
از فیوض لطیف استاد وزین
تا که او گردد بچاپ آراسته
از فریادون (جنیدی) آن خبیر
آن سخنندان شاعر آن کسوه و قار

دارد همچشمی باندا از توان
تا صدف ها نیک پالاید گهر
اعتبارات خود و اجدادشان
راه بردم در دل فرهنگ خویش
شمعی اندر تار جان افروختم
گرچه از یاد زمان بودم بدور
گردن میان بر رخم بنموده جا
چون دل آینه ها حیران راز
تا رسام خویش را بر کوی دوست
ساختم آماده از یاری مرا
آنکه باشد آدمیت را ننگین
آن تجلی فروغ گوهری
از بدخشان جذب کردم بر دبی
حیاتی فرمود بر احسان من
کوبیاری درد و غم انباشته
دو کتاب نظم با دیوان خویش
تابش عشق و ضمیر و جان من
سوز و درد او را نموده تر دماغ
گشته از پیوند جانم در خروش
خامه ای حق بین نقاش خیال
برده بودم جانب ایران زمین
زیسوری یابد به وفق خواسته
آن تهمت همیت روشن ضمیر
کو بود در فضل بحر بی کنار

خواستم کز لطف و اخمیان و کرم
چون به الفت گرم شد آن نیک دان
لیک از جریان سرد روزگار
یک کتسایش پند لقمیان حکیم
سالهای قبل تا بنمودم عزم
دادمش بر (واصف) ولا گهر
کان توانا او ستاد گوهری
خامه ای گویای آن روشن ضمیر
دفتر سوم کلیده دمنسه بود
کان ز سعی طبع من منظوم شد
عرضه کردم پیش استادان فن
هر یکی بر دیگر خود بار کرد
آخر این فرزانه مرد قدر دان
تا که بنگارد به نقد و داوری
زانکه آن صراف معنی خویشتر
یک طرف دستور داد ایسن مهربان
سرعتی در کنار دفترها کنند
تا ششود آماده و آراسته
(حامد) و (زین الدین) این دو خوش گهر
حامد از یفتل ز ورسج دیگرش
پای بنهاند بخورد و خواب خویش
از خلوص نیت و صدق و صفا
پیش طبع شاکرو جوهر شناس
کار فرماهم ز عشق بسی شمار

اندر او دیباچه بنماید رقم
ریخت از الطاف تقریظی بر آن
تا به اکنون مانده است از انتشار
بود در سه صد حکایات سلیم
جد و جهدی کرده آوردم به نظم
در سپهر دانش است شرق هنر
کسر از انصاف نقد و داوری
زد رقم دیباچه از موج حریر
شایگانی گنجی از پیشینه بود
آهنش در کوره من موم شد
داوری دارند از این متن کهن
از توان عجز خود اقرار کرد
کرد از همت به آمریکا روان
وندران دیباچه و اصف باختری
فرق میدارد خزف را از گهر
با دو همکار جوان کاردان
ثبت و درج کمپیوتر ها کنند
بهر چاپ و انتشار این خواسته
رنج ها بردند در شام و سحر
یک ز دیگر پر درخشش جوهرش
جهد بستند در خم مضرب خویش
سعی می کردند بسی ریو و ریا
خدمت ایشان بود جای سپاس
عطف و دقت داشت از جریان کار

تا که این مامول بر پایشان کشید
 بعد چندی انتظاری شد طرف
 غرق لطفی کرد از احسان مرا
 صبر و جہی وقف در کارم نمود
 تا ز لطف این ابر مرد دلیر
 چاپ در سه جلد شد آثار من
 من ز هر طاقت که کردم التماس
 نیک بی دردی و احساس کرخت
 نزد ایشان بود فرهنگ و سخن
 چنین پیشانی و نفرت شد عیان
 جز (فہیم) آن مرد معنی و سخن
 بود استعداد من پیش کسان
 از مزاج شہسواران غرور
 بسا در شستان دانش و آوند و پند
 زشتخوی و زشت رویان هر کجا
 فطرت هر کس که شد خر مهره باز
 گر کنی الماس را با شیشه جفت
 ذوق ها در فطرت پست و بلند
 پس از آن احسان که این فرزانه مرد
 دست من بگرفته کرد این ارجمند
 آب و تاب چوهرم آئینه وار
 گر زبان گردم ز حرمت جملہ تن
 واجب است من از خرد سازم زبان
 ور شود اندیشہ ام مدحت سرای

حسن تحلیلی ز آمریکا رسید
 گسور مقصود ما آمد بکف
 برد با محمولہ ہر ایران مرا
 ہمتی در چاپ آثارم نمود
 شاہباز قلہ ہای پنج شیر
 حاصل روح و تن تب دار من
 تا بیابد طبع آثارم اساس
 ذوق ها پیچیدہ بود در خویش سخت
 مہمل و بی وزن و دور از انجمن
 می رسد ہر کجہ مطلب آگہان
 داشتی ہرگونہ احسانی بمن
 کم بہا از دست بیداد زمان
 انکشاف و رشد فرهنگ است دور
 حرف یاوہ باشد و ہزل و چرند
 تا بیابند بشکنند آئینہ ہا
 ہر گھر ہرگز نبخشد امتیاز
 از نگاہ خیرہ بین بتوان نہفت
 می نماید زشت و نیکو را پسند
 کو برای این فقیر خستہ کرد
 از حضیض خاک گمنامی بلند
 ساخت در انتظار عسالم آشکار
 حق او از من ادا نتوان شدن
 تا ادا سازم سہاس بی کمران
 حق این خدمت نخواہد شد بجای

چشم آن دارم کسه از علو گهر برگ سبز من نیفتد از نظر

تا مه و مهر است به بزم آسمان باد این گوهر درخشان در جهان

واصفی با دا نگهبانش خدای

سرفرازی بخشدش در دو سرای

www.ketab.ir

بنام خداوند جان و خرد کزین بتر اندیشه بر نگذرد

چون مشام جان از بوی دلپذیر بوستانهای بادغیس و بدخشان لبریز می شود، روان را آهنگ پرداز بسوی کوی یاران می گیرد و بدینسان مشتاق و مستانه بسوی هرات، کابل، بلخ و غزنه روان می شود، تا بوسه بر آن خاک مشکبیز زند، و دست در گیسوی دلاویز بیدها آویزد، و چشم بر قامت استوار سروهای کهنسال دوزد و راز استواری و زیبایی و رمز پایمردی و پایداری را از ستیغ کوههای سربلندش بیاموزد..... در پهنه ای آن دشت های گسترده، پرده های سبز در سبز، وجوهای پیچ در پیچ و در آسمان آبی پاکش ابرهای شکن در شکن.... در چهره ای مردان و زنانش مهر و شادی و لبخند ببند!

اما دردا و دریغا که امروز چنین نیست و از آسمان بر سر خانه ای مهرباب کابل خدای، و برجان بلخ و بامیان آتش فرو می ریزد وجوهای پیچ در پیچ آزردہ از گذر زره پوشها، تیره و گل آلود شده اند و به چهره ای دخترکان و پسرکان، گرد تیره ای نشسته و مادران چین بر جبین در سوگ جوانان و پیران خاک بر سر می افشانند.... و ما را که همه ای جان در آرزوی دیدار شهر دلداران و چهر یاران می سوخت، هنگامی گذر به دفتر و دیوانی از بدخشان می افتد که با روان سوخته و جان آشناک از دور، برگذشت آن سرزمین نزدیک می نگریم و هیچ چاره بجز جامه درانی نداریم.

فرزانه ای بزرگوار میر بهادر "واصفی" با کولباری از غم و اندوه، با چهره ای دردمند و پر از آژنگ، و با دیوان پر از درد و آه و فریاد، ره گشود! و چون از پیش قرار چاپ دیوان را بسته بودند از سر مهر و بنده نوازی نوشتن دیباچه ای بر دیوانش را از من خواست. من که پیش از این با نام شریف ایشان آشنائی داشتم و گاه گاه بیتی یا غزلی از ایشان را خوانده بودم اکنون دیوان در دست، در گستره ای فراخ اندیشه و اندریافت این شاعر گرامی به سیر و گردش می پردازم، و با پردگیان اندیشه ای او در پرده های تو در توی دوران زندگیش، زندگی معنوی دیگری می آغازم.

چامه و سرود و سخن در دست واصفی چون موم است و بر هر پیکره که بخواهد عرضه می کند و طبع روان و زبان سخندانیش، نرم و لطیف، چون آوازه ای جویبارهای پیچ در پیچ در دشت اندیشه ای آدمی طنین می افکند و به پیش می رود. گاه جان جویبار را آشفته می گیرد و با غریو و فغان تن بر صخره های سر راه می کوبد و چون چنین می شود، چونان سراینده ای بزرگ بلخ از مفتعلن مفتعلن بیزار می شود و انقلاب می کند و سخن خویش را با خروشی ادامه می دهد، و گاه

نغمه خوان و جان افشان بال بر سبزه و چمن می کشاند و طراوت و تازگی می افشاند.

واصفی را از هرگونه شعر هست، اما بیشتر اشعار او متأسفانه در زمان التهاب جان آن سرزمین محبوب سروده شده و بنابراین بیشتر سخنش همراه با درد و پند و اندرز است و از عبرت زمانه داستان می گوید، ویر جان تب دار رهروان خسته ای وادی درد می موید و بانازک خیالی از میان تیرگیها، راهی بسوی روشنای رهانی می جوید!

شاعر نبض زمانه است و با هر تپش قلب زمان در جهان می تپد و با هر جنبش و خیزشی و آویزشی می برخیزد و خروش می بردارد.... و بیچاره شاعری که نیمی از زمان خویش را در میان این طوفان درد و التهاب گذرانده باشد! باز با همه ای این شگفتی ها گاه گاه که سرود عشق سر می دهد، عشق لطیف از لابلای پرده ای سخنش رخ می نماید، عشقی که خراما خرامان، راه بسوی وادی عرفان می گشاید!

استاد واصفی که زاده ای خاندان میران بدخشان است شعر و سخن و نکته سنجی را از پدر بزرگ روان شادش میر محمد نبی "احقر" و پدر شاد روانش میر محمد نبی "واصف" آموخته است.

ایشان فرخنده ترین یادبودهای دوران کودکی را، در دامن آن دو بزرگمرد فرزانه، جلسات خواندنی شاهنامه ای فردوسی می داند، شاهنامه ای که باسانی ما را به دور دست های زندگی نیاکان ارجمند ره می نماید، و تا با خواندن آن روزگار می گذرانیم، غم امروز مان نیست.

در خاندان واصفی همه دوستدار سعدی، حافظ، بیدل و مولانا بوده اند، و استاد واصفی امروز و کودک دیروز با مروارید سخن آن بزرگمردان شده بر گردن جان آویخته، و عطر سخن و اندیشه ای ایشان را در دامنه های خیال خویش بیخته است.

بنده آرزو دارم که چرخ روزگار از این پس چنان بگردد، که از این شاعر توانا، بجز از نغمه و ترانه و شادابی نخوانیم و نشنویم.

ایدون باد
بنیاد نیشاپور
فریدون "جنیدی"
شهریورماه ۱۳۷۷

فهرست موضوعات

موضوع	صفحه
عرض و سپاس و شکران.....	ا-ه
دیباجه - فریدون "جنیدی".....	و-ز
دیباجه - واصف "باختری".....	
<u>غزلیات:</u>	
بهار جلوه.....	۱
فخر خلقت.....	۱-۲
شکست رنگ.....	۲
صبح فیض.....	۲-۳
کوره گران.....	۳
بار گران.....	۳-۴
رونق فردا.....	۴
وصل دوست.....	۵
مهلت گفتگو.....	۵-۶
افسون صیادی.....	۶
شهاب عشق.....	۶-۷
دامن دل.....	۷
تیغه ای بیم.....	۸
وسعت بینش.....	۸
حلاوت سخن.....	۹
آب گهر.....	۹
تعلیم حق.....	۱۰
غیرت آزادگان.....	۱۰-۱۱
عید.....	۱۱
هنر محک.....	۱۱-۱۲
سیلی ساحل.....	۱۲
بال نگه.....	۱۲
خانقاه عشق.....	۱۳
آلام مردم.....	۱۳-۱۴
مژده ای وصل.....	۱۴-۱۵
برق شوق.....	۱۵
قاف مناعت.....	۱۵-۱۶
حرم ناز.....	۱۶
دور جام.....	۱۶-۱۷
تار جان.....	۱۷
عشق روان سوز.....	۱۷-۱۸
پرده در.....	۱۸
ساعر اندیشه.....	۱۸
جهنم حیات.....	۱۹

۲۰-۱۹	کفه ای وقار
۲۰	دل طوفان
۲۱-۲۰	مشت پر
۲۱	نشه ای اقبال
۲۱	جام جم
۲۲	سیوی دماغ
۲۲	درد شعله ریز
۲۳	امداد عشق
۲۳	دفتر سودا
۲۴-۲۳	شمع جمال
۲۴	خمار آیه
۲۵-۲۴	خون تاک
۲۵	مست تمنا
۲۶-۲۵	آه مجمر
۲۶	تهمت بینانی
۲۶	حیرت جوان
۲۷	اهل راز
۲۷	عرش حکمت
۲۸-۲۷	زنگار غفلت
۲۸	دل رفتگان
۲۹-۲۸	جرس امید
۲۹	مکتب عشق
۳۰-۲۹	ضمیر بحر
۳۰	سلسله ای اشک
۳۱-۳۰	وعده ای سراب
۳۱	فردا خطاب
۳۲	منبع نور
۳۳-۳۲	طفل نور
۳۳	خلوتگاه ای شهر
۳۴	تجسم فردا
۳۴	آرزوی وصل
۳۵	صف احرار
۳۵	سفر عشق
۳۶	تب اندیشه
۳۷-۳۶	پیغام عقل
۳۷	انصاف بدست تو
۳۷	احرام نیاز
۳۸	ناز لطافت
۳۸	زیب عنوان
۳۹	خیمه ای دل
۳۹	صرصر فرجام
۴۰	تپش فاخته
۴۰	احرام موج

۴۹		آواز رحمت
۴۹		ملک اجابت
۴۹		دست جوهر
۴۳-۴۲		کتاب زندگانی
۴۳		مرگ دنیا
۴۴-۴۳		پر بسم
۴۴		چشم میلاد
۴۵-۴۴		چشم داغ
۴۵		مرغ آزاد
۴۶-۴۵		زبان زندگی
۴۶		درد آشنا
۴۷		بنیاد ضعیف
۴۷		عطر توحید
۴۸		مسیح عشق
۴۹-۴۸		سیمرغ انتخاب
۴۹		پیام جاده
۴۹		نفس جویبار
۵۰		محراب دعا
۵۱-۵۰		دانگاه حق
۵۲-۵۱		صیقل صبح
۵۲		تنور حرص
۵۳		کلبه ای داغ
۵۳		مهیبط راز
۵۴		پروانه ای بی پاک
۵۴		زینه ای آسمان
۵۵		جان جهان
۵۵		درس شیون
۵۶-۵۵		شاهد درد
۵۶		داغ کرشمه
۵۶		کرم امتیاز
۵۷		رامشگر
۵۷		توبه شکن
۵۸		زور افتادگی
۵۹-۵۸		شبهال همت
۵۹		آبرو گم کرده
۶۰		آب رخ
۶۰		نقص تدبیر
۶۱		بار ملامت
۶۲-۶۱		معنی طراز
۶۲		اسرار جنون
۶۲		مصر جان
۶۳		دهقان خرد
۶۳		حسرت پر

۶۴	جوهر انینه ای دل
۶۴	عطر داغ
۶۵	امتحان محبت
۶۵	کتاب حسن
۶۶	وصل هدف
۶۶	چمن زاده
۶۷	پاس عصمت
۶۸-۶۷	الماس سیاه
۶۸	فیضان رحمت
۶۹-۶۸	خوی درشت
۶۹	گلوی عشرت
۷۰	انینه ای عجز
۷۰	چذبه ای عشق
۷۱	تیر آه
۷۱	گرد دلیر
۷۲	حساب زندگی
۷۲	شهیدان وفا
۷۳	عجز بی عنان
۷۳	چشم درد
۷۴-۷۳	طلیعه ای همت
۷۴	گردش جام
۷۵	پایه ای هنر
۷۵	چنگ هما
۷۶	ارزش معنوی
۷۶	عید
۷۷-۷۶	قصور باغبان
۷۷	دلیل رفعت
۷۸	اکسیر وحدت
۷۸	سعی باطل
۷۹	ملت سخن
۸۰-۷۹	رستم معنی
۸۰	گرگ ستم
۸۱	ثبات
۸۲-۸۱	زنده مردن
۸۲	گرداب نفس
۸۳	بهار و خزان
۸۳	بدو نیک
۸۴	بهشت آرزو
۸۵-۸۴	سبق صبح
۸۵	جوهر قابل
۸۶-۸۵	خط تیغ
۸۶	نگاه شعله
۸۷-۸۶	جوهر تدبیر

۸۷	خدا خیر کند
۸۸	حرف برهنه
۸۹	سنگ بدخشان
۹۰-۸۹	ثابت نظر
۹۰	خون امل
۹۰	کرشمه ای هستی
۹۱	دزد آبرو
۹۲-۹۱	شمع طرب
۹۲	کوره ای اندیشه
۹۳	برخیزید
۹۴-۹۳	شیشه ای دل
۹۴	نا کام محبت
۹۵-۹۴	ملک دل
۹۵	مجمع دل
۹۶-۹۵	غم دل
۹۶	مجنون خیال
۹۶	طفل گوهر
۹۷	اسرار الفت
۹۷	محک صدق
۹۸	فوج آرزو
۹۸	خط سوخته
۹۹	یوسفستان
۹۹	نگاه دردمند
۱۰۰	آئینه ای کیفر
۱۰۰	فیض عبرت
۱۰۱	نفس رسا
۱۰۱	حقه باز حرفوی
۱۰۲	غافل شوق
۱۰۲	عشق کهن نمیشود
۱۰۳-۱۰۲	زخم فسرده
۱۰۳	مقراض سکون
۱۰۴	قطره ای پیموده منزل
۱۰۴	حرم ناز
۱۰۵	بال شکسته
۱۰۵	قصد سجود
۱۰۶	کسوت فریب
۱۰۶	ناستوده
۱۰۷	تب آتش فشان
۱۰۸-۱۰۷	چراغ قافله
۱۰۸	گل نسا
۱۰۹-۱۰۸	گلشن امید
۱۰۹	نشه ای درد
۱۱۰-۱۰۹	سرا پرده ای دل

۱۱۰	خانه نشین
۱۱۱-۱۱۰	رمز عشق
۱۱۱	دود آه
۱۱۲-۱۱۱	جلوه ای ریائی
۱۱۲	خرابات دل
۱۱۳-۱۱۲	مهر نامرادی
۱۱۳	فیض کرامت
۱۱۴-۱۱۳	لشکر پروانه
۱۱۴	چراغ سینه
۱۱۵-۱۱۴	ناز شیباب
۱۱۵	افواج نور
۱۱۶-۱۱۵	رایت عشق
۱۱۶	آتش یاقوت
۱۱۷-۱۱۶	فیض هنر
۱۱۸-۱۱۷	نبض بهشت
۱۱۸	تیغ کيفر
۱۱۹	سنگسار
۱۱۹	تنگ هوس
۱۲۰	پیک نجات
۱۲۰	وارستگی
۱۲۱	لگد حادثه
۱۲۲-۱۲۱	خون آبرو
۱۲۲	چشم انداز بهار
۱۲۲	لطف افاده
۱۲۳	بنیاد ستم
۱۲۴-۱۲۳	کنج فقر
۱۲۴	چشمه ای نور
۱۲۵-۱۲۴	بال سپیده
۱۲۵	هینت ایمان
۱۲۶	جوهر فرد
۱۲۶	نیستان آه
۱۲۷	کمان شکسته
۱۲۸	فطرت معذور
۱۲۸	تنگ جرم
۱۲۹	معراج پریدن
۱۲۹	بهار صلح
۱۳۰	سلطان فقر
۱۳۱-۱۳۰	گرد نفس
۱۳۱	ارث سخن
۱۳۲-۱۳۱	گریبان چمن
۱۳۳-۱۳۲	جنون آباله
۱۳۳	پای از خود رفتن
۱۳۳	شهر دل

۱۳۴	قدرت قطره
۱۳۴	طبع لطیف
۱۳۵	جنس درایت
۱۳۶-۱۳۵	سوار می ماند
۱۳۶	حسن عشق ایجاد
۱۳۷-۱۳۶	ناز طیبیان
۱۳۷	ستاره ای دگر
۱۳۸-۱۳۷	ماهه ای هستی
۱۳۸	سنگر نشین درد
۱۳۹-۱۳۸	جوهر مردانگی
۱۳۹	دریا دل
۱۴۰	ره ای قافله
۱۴۰	آتش یاقوت
۱۴۱	خنده ای واپسی
۱۴۱	گوهر مقصود
۱۴۲	آبروی وحدت
۱۴۳-۱۴۲	کتاب
۱۴۳	همدرس استاد
۱۴۴-۱۴۳	موج صفا
۱۴۴	بلند گوی
۱۴۵	شور مستی
۱۴۶-۱۴۵	شوخی نظاره
۱۴۶	فتح کابل توسط مجاهدین
۱۴۷	برخیز سفر ک
۱۴۸-۱۴۷	بیم گرد باد
۱۴۸	پلنگ آزمند
۱۴۹	چراغ خانقاه همت
۱۴۹	جوهر آدمیت
۱۵۰	عشق بلند پایه
۱۵۱-۱۵۰	درد بد
۱۵۱	نخم امل
۱۵۲-۱۵۱	خواهش روزگار
۱۵۲	فطرت صبور
۱۵۳	طلعه ای گلچین
۱۵۴-۱۵۳	آب خرد
۱۵۴	پیغام شباب
۱۵۴-۱۵۴	چتر وحدت
۱۵۵	پاکبازی خورشید
۱۵۶	اکسیر معرفت
۱۵۷-۱۵۶	فطرت ناقص
۱۵۷	زبان عشق
۱۵۸	زمین سوخته
۱۵۸	آئینه طبعان

۱۵۹	خاک نیاز
۱۶۰-۱۵۹	بتخانه
۱۶۰	سودای منصب
۱۶۱-۱۶۰	میر مجلس
۱۶۱	نوح روزگار
۱۶۲	شاخص مقدار بود
۱۶۳-۱۶۲	دزد شب
۱۶۳	خنک منی
۱۶۴-۱۶۳	گوهر ایمان
۱۶۴	سایه ای دیوار رحمت
۱۶۵	غرور شعله
۱۶۶-۱۶۵	عضو کرخت
۱۶۶	آبروی شیشه
۱۶۷-۱۶۶	نعل غنچه وگل
۱۶۷	خانه ای عاقبت
۱۶۸	سبوی بی هنر
۱۶۹-۱۶۸	فرزانگی مجنون
۱۶۹	فیوض ازل
۱۷۰-۱۶۹	عنقای خیال
۱۷۰	عرش خیال
۱۷۱-۱۷۰	قاموس خرد
۱۷۱	خود فروشی
۱۷۲	خوان همت
۱۷۳-۱۷۲	چشم عطش
۱۷۳	دماغ رنگ و بو
۱۷۴-۱۷۳	پیمان دار
۱۷۴	دیو تزویر
۱۷۵-۱۷۴	ناز یوسف
۱۷۵	تن کرشمه
۱۷۶	درا درا
۱۷۶	حرارت وصل
۱۷۷	نخل طاقت
۱۷۷	خنده ای آبله
۱۷۸-۱۷۷	پیوند رستخیز
۱۷۸	فروغ افاده
۱۷۹	پاداش عمل
۱۷۹	موج نور
۱۸۰	شور عشق
۱۸۰	یا رب خیر
۱۸۱	شمشیر همت
۱۸۱	سمند ناز
۱۸۲-۱۸۱	دزد و رهن
۱۸۲	مخواه

۱۸۲-۱۸۳	سطر عبرت
۱۸۳	جرعه نوش
۱۸۳-۱۸۴	عدل میزان محک
۱۸۴	ریحان ناز
۱۸۵	بهار ثمر
۱۸۵	شهر صلح
۱۸۶	غنچه های ساز
۱۸۶	دونی افکن
۱۸۷	آب شعور
۱۸۸	نوی ادب
۱۸۸	اریکه ای دل
۱۸۸-۱۸۹	پرده ای دل
۱۸۹	تیغ آبدار
۱۸۹-۱۹۰	لغزش فرهنگ
۱۹۰	سعی جنون
۱۹۰-۱۹۱	آرزوی خام
۱۹۱	تربیت روح
۱۹۱-۱۹۲	شیره ای الفت
۱۹۲	خون وقار
۱۹۳	پرده ای راز
۱۹۳	پخته جوش
۱۹۴-۱۹۵	خشم زمانه
۱۹۵	دره ای دربند تهران
۱۹۵-۱۹۶	گل فروش
۱۹۶	تیر کج
۱۹۷	درد بی دارو
۱۹۷	پیغام دل
۱۹۸	زندان حرص
۱۹۸	کلید قفل امید
۱۹۸-۱۹۹	کبک شاهین دیده
۱۹۹	تنویر غلط
۲۰۰	تصویر حادثات
۲۰۰	چشم استغنا
۲۰۱	چراغ خون
۲۰۱	شهید راه نجات
۲۰۲	چاک پیراهن
۲۰۲-۲۰۳	گرنگ اختلاف
۲۰۳	سلدا
۲۰۳-۲۰۴	دیوانه ای عشق
۲۰۴	چشمه ای کوثر
۲۰۴-۲۰۵	بام مراد
۲۰۵	زنهار دار حادثه
۲۰۶	کام نهنگ

۲۰۷-۲۰۶	رفعت اقبال
۲۰۷	بساط ناز
۲۰۸	بنده نواز
۲۰۸	درگاه دل
۲۰۹	دفتر کار شاعر
۲۱۰	شور و شوق
۲۱۰	مسیح آتش
۲۱۱-۲۱۰	یاد بهار
۲۱۱	دوکان حرص
۲۱۲-۲۱۱	غزل ناسروده
۲۱۲	خط آفتاب
۲۱۲	ربط دلیری
۲۱۳	اشکیوس آبله
۲۱۴-۲۱۳	ننگ زبونی
۲۱۴	نقش پای حادثه
۲۱۴	خط پرواز
۲۱۵	فشار دهر
۲۱۵	صفحه ای آه
۲۱۶-۲۱۵	صبح عید
۲۱۶	چشم فتان
۲۱۷-۲۱۶	طوطی دل
۲۱۷	گنج فقر
۲۱۸-۲۱۷	فخر انسان
۲۱۸	اندیشه ای درد
۲۱۹-۲۱۸	حرف سگته
۲۱۹	دو زبان
۲۲۰	حماسه ای انسان
۲۲۰	فغان بی کسی
۲۲۱	بال شوقی
۲۲۲-۲۲۱	پیمان ازادگان
۲۲۲	آنین عاشقان
۲۲۳-۲۲۲	بهارستان تاجک
۲۲۳	عبادتگاه عشق
۲۲۳	ناز ضرب الاجل
۲۲۴	قامت صبر
۲۲۵-۲۲۴	سر مه ای بال صدا
۲۲۵	سپند دل
۲۲۶-۲۲۵	رنگ توبه
۲۲۶	قاصد بهار
۲۲۶	بزم نور
۲۲۷	نوا خیز
۲۲۷	خون عیش
۲۲۸-۲۲۷	قامت کوه

۲۲۸	دوربین سراغ
۲۲۹-۲۲۸	فیض نبوغ
۲۲۹	محو نگاه
۲۳۰-۲۲۹	دست بیداد فلک
۲۳۱-۲۳۰	شهسوار
۲۳۱	محیط باس
۲۳۲-۲۳۱	اکنون کم و فردا کم
۲۳۲	جنون دل
۲۳۳-۲۳۲	گرم شوق
۲۳۳	رم آئینه ها
۲۳۴-۲۳۳	جنون معرفت
۲۳۴	کشم معرفت
۲۳۵-۲۳۴	متون درد
۲۳۵	پشت گردون
۲۳۶-۲۳۵	گره ناله
۲۳۶	قصه ای عشق
۲۳۷-۲۳۶	شمع سخن
۲۳۸	تو بودی یا من
۲۳۹-۲۳۸	شهد آمل
۲۴۰-۲۳۹	زبان خامه
۲۴۰	ادبگاه الفت
۲۴۱	طوفان غم
۲۴۱	بال همت
۲۴۲	نعل بدخشان
۲۴۲	مرغ بی شهپر
۲۴۳	آئینه ای دل
۲۴۳	سنگ طمع
۲۴۴	تلوسسه
۲۴۵-۲۴۴	گرد کاروان
۲۴۵	باغ مجید خان
۲۴۶-۲۴۵	صفر جهد
۲۴۶	فیض جمعیت
۲۴۷	وسعت آباد نظر
۲۴۷	طره ای ترسا
۲۴۸	سفر عشق
۲۴۸	مرغ لطیفه گو
۲۴۹	مرتبت آدمی
۲۴۹	رتبه ای عشق
۲۵۰	دریان دل
۲۵۱-۲۵۰	امیر کاروان
۲۵۱	قبله نما
۲۵۲-۲۵۱	همت تنها
۲۵۲	علم نخوت

۲۵۳-۲۵۲	نجوا
۲۵۳	منت گذار
۲۵۴-۲۵۳	داغ سویدا
۲۵۴	نور اقبال
۲۵۵-۲۵۴	عضو کاری
۲۵۵	معراج آنین
۲۵۶	سهراب
۲۵۶	ناز حرم
۲۵۷	نیروی ایمان
۲۵۷	فجر نور
۲۵۸	رشحه رشحه
۲۵۹-۲۵۸	بساغ دل
۲۵۹	روح لطافت
۲۵۹	عروج بخت
۲۶۰	سبحان الله
۲۶۰	نور نظر
۲۶۱	نذر عید
۲۶۱	مشهد نظاره
۲۶۲	مرغ بدخشان
۲۶۲	کشت وحدت
۲۶۳	ثبات
۲۶۴-۲۶۳	تار عشق
۲۶۴	داغ دل
۲۶۵-۲۶۴	انتظار جاده
۲۶۵	آبروی صفا
۲۶۶-۲۶۵	راه گم
۲۶۶	خورشید عشق
۲۶۷-۲۶۶	فروغ نکته
۲۶۷	آزادی
۲۶۸	وصف مار
۲۶۸	تب آرزو
۲۶۹	گیاه خاطر
۲۶۹	شکست بوی
۲۷۰	طبع دون
۲۷۰	صحنه پرداز
۲۷۱	نشه ای انتظار
۲۷۲-۲۷۱	آئینه ای تجلی
۲۷۲	برده پوش
۲۷۳	نفس دنی
۲۷۳	ظفسرا
۲۷۴	تیمم
۲۷۴	محشر بی پاک
۲۷۵	قهر یزدان

۲۷۵	نسیم خلد
۲۷۶-۲۷۵	اسرار دل
۲۷۶	غالبه باران
۲۷۷-۲۷۶	سفر تحصیل الطاف حسین
۲۷۷	عشق سرکش
۲۷۸-۲۷۷	کفه ای تحدید
۲۷۸	طالب شرف
۲۷۹-۲۷۸	پژواک روح
۲۷۹	درد جدائی
۲۸۰-۲۷۹	مالک دل
۲۸۰	آستان داد
۲۸۱-۲۸۰	مضارب دل
۲۸۱	بهار العین:
	قصاید:
۲۸۳-۲۸۲	چراغ علم
۲۸۵-۲۸۳	خود خوانده
۲۸۶-۲۸۵	شور مستی
۲۸۸-۲۸۶	سیاه و سفید
۲۸۹-۲۸۸	نظم نوین
۲۹۱-۲۸۹	فتنه ای زمن
۲۹۲-۲۹۱	مولای هنر
۲۹۳-۲۹۲	صیقل وحدت
۲۹۴	چشن دهقان
۲۹۵-۲۹۴	گوهر دری
۲۹۷-۲۹۶	عشق وطن
۲۹۸-۲۹۷	آسیاب غیر
۳۰۱-۲۹۸	تاج فخر
۳۰۲-۳۰۱	حضور دوست
۳۰۳-۳۰۲	قله ای افتخار
۳۰۴-۳۰۳	در کار نیست
۳۰۷-۳۰۵	کشتی ناموس
۳۰۸-۳۰۷	داغگاه
۳۱۰-۳۰۸	چراغ لاله زار
۳۱۲-۳۱۱	فیض تجلی
۳۱۳-۳۱۲	معجزه ای لطف
۳۱۳	سر حلقه ای احباب
۳۱۵-۳۱۴	الهه ای مهر
۳۱۵	درد آشنا
۳۱۶	شهید مستم
۳۱۸-۳۱۷	در وصف بهارستان بدخشان
۳۱۹-۳۱۸	مستان جهانبانی
۳۲۰-۳۱۹	والوالج

۳۲۳-۳۲۰	دقیقه شمار
۳۲۶-۳۲۳	شیر مردان شمالی
۳۲۷-۳۲۶	خزان
۳۲۸-۳۲۷	تبغ ملامت
۳۲۹-۳۲۸	پیوند دلها
۳۳۰-۳۲۹	بهار تیشکان
۳۳۲-۳۳۰	حرف من نقل از پیام کبریاست
۳۳۳-۳۳۲	مرد یزدان
۳۳۴-۳۳۳	چشم داغ
۳۳۶-۳۳۴	کوه یقین
۳۳۸-۳۳۶	مرد حق
۳۳۹-۳۳۸	در ماتم باغ
۳۴۱-۳۳۹	صلح
۳۴۲-۳۴۱	نرد بان همت
۳۴۳-۳۴۲	شهیدستان
۳۴۴	کفایت
۳۴۶-۳۴۵	ای سپهسالار
۳۴۷-۳۴۶	در وصف بهار "آت"
۳۴۸-۳۴۷	در رثای همایون جان "راوی"
۳۴۹-۳۴۸	در رثای همسر الحاج جنرال
۳۵۰-۳۴۹	پیام به زمامداران پاکستان
۳۵۱	فوج خرد
۳۵۲	صد بهاران جلوه حسن
۳۵۳	عروس البلاد
۳۵۴	عقاب
۳۵۵	اولین سالگرد جمهوریت
	مثنوی ها:
۳۵۶	نعت
۳۵۸-۳۵۷	تصویر و پیام
۳۵۹-۳۵۸	مقام معتم
۳۶۰-۳۵۹	پند
۳۶۱-۳۶۰	خر شاه عبد الرحیم جرمی
۳۶۵-۳۶۱	حکایت
۳۶۷-۳۶۵	خصم کشور افغان
۳۶۹-۳۶۷	چهار فصل
۳۷۰-۳۶۹	شهادت محمد طاهر "بخشی"
۳۷۲-۳۷۰	حکایت
۳۷۴-۳۷۳	حکایت
۳۷۶-۳۷۴	حکایت
۳۷۹-۳۷۶	قصه کل که یافت تا شاهی - کرد مردم غریق گمراهی
۳۸۰	حمد و نعت
۳۸۲-۳۸۱	نصیحت به فرزندان

۳۸۷-۳۸۲	حکایت
۳۸۸-۳۸۷	حکایت
۳۸۹-۳۸۸	معنوی مثنوی
۳۹۰-۳۸۹	نصیحت مادری به فرزندش
۳۹۱-۳۹۰	حکایت مست و سگ
۳۹۲	بهسار
۳۹۴-۳۹۲	نعت
۳۹۵-۳۹۴	حکایت
۳۹۷-۳۹۵	نامه به برات محمد "سودا" جرمی
۳۹۹-۳۹۸	به جواب نامه عبد الصمد "نیازی"
۴۰۰-۳۹۹	نامه ای "نیازی" به شاعر از لندن
۴۰۲-۴۰۰	جواب به نامه ای "نیازی" از کابل به لندن
۴۰۳-۴۰۲	حکایت
۴۰۵-۴۰۳	حکایت
۴۰۷-۴۰۵	حکایت
۴۰۸-۴۰۷	حکایت
۴۱۱-۴۰۹	حکایت
۴۱۲-۴۱۱	مقام معلم
۴۱۴-۴۱۳	نامه به "ضمعی"
۴۱۶-۴۱۴	بمناسبت روز هلال احمر
۴۱۷-۴۱۶	نامه به برات محمد "سودا"
۴۲۰-۴۱۸	نامه به وکیل میرزا محمد ایوب "قایل"
۴۲۱-۴۲۰	نامه به "ملزم"
۴۲۳-۴۲۲	آئینه ای عشق
۴۲۴-۴۲۳	زبان عود
۴۲۶-۴۲۴	نهضت باغداری
۴۲۸-۴۲۷	حکایت
۴۳۲-۴۲۸	گور مار
۴۳۵-۴۳۲	حکایت
۴۳۷-۴۳۶	بمناسبت دستار بندی حافظان
۴۳۸-۴۳۷	دبستان عشق
۴۴۰-۴۳۸	به نمایندگی از مردم ده ولایت
۴۴۸-۴۴۱	کشتی ناموس
۴۴۹-۴۴۸	به قاری فضل الحق "پیروز"
۴۵۷-۴۴۹	حریر جنت
۴۵۷	سحر پرداز
۴۶۰-۴۵۸	اشباح
۴۶۰	هوا
۴۶۲-۴۶۱	حکایت
۴۶۳-۴۶۲	مقام زن
۴۶۴-۴۶۳	دباجه بدقت اشعار "م. کشمی"
۴۶۷-۴۶۵	یل کوهسار
۴۶۸	شاعر شیوه بیان جنرال "فیروز"

۴۶۹-۴۶۸	نردبان جان
۴۷۲-۴۷۰	افتتاح ولسوالی تگاب کشم
۴۷۲	به پیشگاه معلم
۴۷۳-۴۷۲	عبد الغفور "صمیم"
۴۷۳	به پیشگاه مادر
۴۷۴-۴۷۳	هنرمندان افغانی و هندی
۴۷۶-۴۷۵	نامه بروز نامه ای حقیقت ثور
۴۷۹-۴۷۶	هیکل و سمند
۴۸۷-۴۷۹	میله ای کته باغ
۴۹۵-۴۸۷	میله ای شیخ ملو "شیخ ملا"
۴۹۶-۴۹۵	دیباچه به دفتر "شاخ دانی"
۴۹۷-۴۹۶	ارتقاء مکتب متوسطه ای چارمغز دره ای کشم به لیس
۴۹۸-۴۹۷	دیباچه به دفتر اشعار حبیب الله "اصغری"
۴۹۸	شهرکار خلقت
۵۰۰-۴۹۸	اهداء به احمد "مسعود"

مخمسات:

۵۰۲-۵۰۱	مخمس بر غزل ابوالمعانی بیدل
۵۰۴-۵۰۲	مخمس بر غزل صائب تبریزی
۵۰۶-۵۰۵	مخمس بر غزل "سیمین" بهبهانی
۵۰۷-۵۰۶	مخمس بر غزل رحمت بدخشی
۵۰۸-۵۰۷	مخمس بر غزل صائب
۵۰۹-۵۰۸	مخمس بر غزل سیمین بهبهانی با اضافه ای مقطع
۵۱۰-۵۰۹	مخمس بر غزل بیدل علیه الرحمه
۵۱۲-۵۱۱	مخمس بر غزل بیدل (د)
۵۱۲	مخمس بر غزل ابو المعانی بیدل (د)
۵۱۳	مخمس بر غزل صائب تبریزی
۵۱۵-۵۱۴	مخمس بر غزل لسان الغیب حافظ شیرازی
۵۱۶-۵۱۵	مخمس بر غزل ابو المعانی بیدل
۵۱۷-۵۱۶	مخمس بر غزل ابو المعانی بیدل
۵۱۸-۵۱۷	مخمس بر غزل ابو المعانی بیدل
۵۱۸	مخمس بر غزل لسان الغیب حافظ
۵۲۰-۵۱۹	مخمس بر مثنوی وحشی بافقی
۵۲۱-۵۲۰	در رثای شهید سید نجم الدین "وائق"

مسدسات:

۵۲۳-۵۲۲	در رثای پدرم میر محمد نبی "واصف"
۵۲۶-۵۲۴	پنجاهمین جشن استرداد استقلال کشور
۵۲۷-۵۲۶	چهل و هشتمین سالگرد استقلال وطن
۵۲۹-۵۲۸	چهل و نهمین جشن استرداد استقلال کشور
۵۳۱-۵۲۹	مقام معلم
۵۳۲-۵۳۱	سالگرد اداره ای اطلاعات و کلتور بدخشان
۵۳۴-۵۳۲	تجلیل از نزول قرآن کریم
۵۳۵-۵۳۴	پمناسبت روز هلال احمر

۵۳۶-۵۳۵	خطاب به یونو (UN) در کنفرانس روز ملل متحد
۵۳۷-۵۳۶	در سالگرد جشن جمهوریت در وطن
۵۳۹-۵۳۸	سفر بردار و بهارستان
۵۴۱-۵۳۹	زور آزمایی پهلوانان
	ترکیب بندها:
۵۴۴-۵۴۲	در رثای بهادر "مدافع" شهید
۵۴۶-۵۴۴	در رثای قیام الدین "خردمند شهید"
۵۵۰-۵۴۷	ترجیع بندها:
۵۵۳-۵۵۱	ترجیع بند ذو قافیتین
۵۵۴-۵۵۳	ترانه به استقبال احمد شاه "مسعود"
۵۵۶-۵۵۵	در انتظاری ملاقات
۵۵۸-۵۵۶	در رثای میر محمد آصف شهید
	چهار یاره ها، ترانه ها، اشعار آزاد، چکیده ها و مرثی:
۵۶۰-۵۵۹	به پیشگاه مادر
۵۶۱-۵۶۰	خیزان
۵۶۲	آزاد میشویم، آباد میشویم
۵۶۳	ترانه ای وطن
۵۶۴	ترانه ای مجاهد سرباز
۵۶۵	ترانه ای مجاهد سرباز
۵۶۸-۵۶۶	حماسه ای سرباز
۵۶۹	ترانه ای سرباز
۵۶۹	ترانه
۵۷۰	ترانه
۵۷۱-۵۷۰	ترانه
۵۷۱	ترانه ای سرباز
۵۷۲	دو قطره
	قطعات و چکیده ها، رباعیات، مستزاد و دیویتی ها:
۵۷۳-۵۷۲	سیمرغ پر شکسته
۵۷۳	دیبچه به تالیف فرهنگ نوین
۵۷۴	خر اصل
۵۷۵	سوانح من
۵۷۵	خاطره ای سفر فیض آباد- کشم
۵۷۶	شهره خواه
۵۷۶	خاطره
۵۷۷	عطا محمد "فایز" شهردار رستاق
۵۷۷	خاطره
۵۷۸	به الحاج محمد اکرم خطایاتی
۵۸۳-۵۷۸	قطعات:
۵۹۰-۵۸۴	رباعیات
۵۹۰	خاطره
۵۹۰	خاطره
۵۹۲	خاطره

مرحوم عبد السلام یفتلی	۵۹۲
خاطره	۵۹۴-۵۹۲
خاطره میله ای آت کتو بالای کشم	۵۹۶-۵۹۴
تهریکیه عروسی ارجمند داکتر میر احمد قاید واصفی	۵۹۷
مسئزاد ها	۵۹۸
دو بیتي ها	۶۰۰-۵۹۸
مراثی:	
در رثای میر عبد الله شهید	۶۰۱
در رثای سید صفا الدین شهید	۶۰۱
در رثای سید شفیق الله	۶۰۳-۶۰۲
در رثای میر عبد الولی	۶۰۴-۶۰۳
به سنگ مزار حاجی اصف جان	۶۰۴
مرحوم الحاج وکیل سید محی الدین	۶۰۵
در رثای الحاج وکیل سید محی الدین "صیاد"	۶۰۶-۶۰۵
در رثای سید آغا	۶۰۷-۶۰۶
در رثای "مخفی" بدخشی	۶۰۹-۶۰۷
در رثای مخدوم عبد الواسع	۶۱۰-۶۰۹
در رثای میر جان	۶۱۲-۶۱۰
در رثای قربان "ریزه"	۶۱۴-۶۱۳
تک بیت ها	۶۳۹-۶۱۵
فهرست:	۶۵۷-۶۴۰